

کتاب مقدس هندی (۱)

مژگان سخایی - مدرس

۱- تلخیصی از The scriptures of

Hinduism، (کتاب مقدس هندوها) فصل

دوم از کتاب "Hinduism" نوشته خانم

شکونتهله جگتنهن - Shakunthala

Jagannathan که توسط نگارنده از

انگلیسی به فارسی ترجمه شده و بنا بر ضرورت

توضیحاتی نیز در پاورقی به آن افزوده شده

است.

۲- Srutis

۳- Veda

۴- Vid

۵- Rishi

۶- dris

۷- apaurusheya پوروشا یعنی انسان،

پوروشیه یعنی انسانی، اپوروشیه یعنی غیر انسانی و

الهی، اپوروشیه دارای اصل الهی اند. (مترجم)

۸- anadi

۹- Kalpa

۱۰- Pralaya

۱۱- Sweta - Varaha شوته بمعنای

سفید است و "ورمه" بمعنای گراز - و "شوته ورمه"

کلیه بمعنای عصر گراز سفید می باشد که کالی

کته (Kali Kalpa) نیز نامیده می شود.

(مترجم)

۱۲- OM

۱۳- Peranava

۱۴- Aum

۱۵- Rigveda

۱۶- Yajur veda

۱۷- Sama veda

پیشگویان یا حکیمانی بودند که وداها با

مداخله الهی به قلب و فکر آنها القاء شد.

وداها "اپوروشیه"^(۷) یعنی غیر قابل تغییر و

ابدی می باشند و عالیترین حقایقی را که

بشر تاکنون آموخته به انسان تعلیم

می دهند و در تمامی اعصار معتبرند.

هندوها معتقدند که خلقت آنادی^(۸)

است (به این معنا که هیچ آغازی ندارد) و

ابدی است. در پایان هر کَلِپَه^(۹) (واحد

زمانی برابر با یک روز بر همای خالق، که در

حدود چهار هزار و سیصد و بیست میلیون

سال زمینی می باشد)، خلقت در یک شکل

دقیق در اله وجود دارد که از آن جا در هر

زمان عالم جدیدی دوباره خلق می شود.

در پایان آخرین دوره، طوفانی عظیم یا

پَرَنیَه^(۱۰) اتفاق افتاد و جهان را ویران کرد.

اعتقاد بر این است که بر همای خالق، در

طلوع این دوره، که "شَوْتَه وَرَهَه"^(۱۱) نامیده

شده، تأمل و مراقبه ای داشته است. در این

هنگام اله اعظم در کشل صدای آم^(۱۲) که

پَرَنوَه^(۱۳) نیز نامیده می شود. ظاهر

می گردد. (بنابراین آم نماد مطلق و

مقدس ترین نماد هندویزم می باشد.)

سپس بر هما دانش خلقت عالم جدید را

از آم طلب کرد. از ارتعاش صدای آم (آم

^(۱۴) نیز تلفظ می شود) حدیثگذار ریگ

ودا^(۱۵)، یجورودا^(۱۶)، سَمَه ودا^(۱۷)، و

هندانسته می پرسم از آنان که
می دانند، از حکیمان می پرسم بسان
نادانی که جوئی معرفت است، چه
بود آن یگانه؟

انان، او را ایندرا، میترا، واردنا،
و آگنی می نامند، به آنچه واحد است،
حکیمان عناوین بسیاری می دهند.
ریگ ودا- ۱۶۴

هندویزم بر اساس کتاب و یا گفتار
معلم یا پیامبری مشخص بنیان نشده است،
بلکه به عقیده هندوان اساس این دین،
حقیقتی ابدی است، اگرچه هزاران کتاب
مقدس برای راهنمایی مبتدی و دانشمند
وجود دارند، که برآستی نمایانگر کثرت
ادبیات معنوی است.

"شروتی ها"^(۲)

اولین دسته کتابها، که قدیمترین سند
یا همان روح هندویزم اند شروتی ها
می باشند، که به وداها معروفند و به معنای
چیزی است که آشکار یا شنیده شده اند.

واژه "ودا"^(۳) از ریشه "وید"^(۴) به
معنای دانستن مشتق شده است. وداها
دانش معنوی یا عالی حقیقت ابدی
می باشند. واژه ریشی^(۵) از دریش^(۶) به
معنای دیدن مشتق شده است. ریشیها

اتهرودا^(۱) را تصور کرد. بر هما جهان کنونی را با دانش عالی که از ام دریافت کرده بود خلق کرد و چهار ودا را از او آموخت. به عبارت دیگر وداها حتی قبل از خلقت این جهان وجود داشته‌اند.

حکیم "وده ویاسه"^(۲) چهار ودا را جمع‌آوری کرد و مریدانش "پایله"^(۳)، "وایسمپایانا"^(۴)، "جایمینی"^(۵) و سامانته^(۶) وداها را به سایر مریدان یاد دادند و اینان نیز به شاگردانشان آموختند. لذا آنها را اَمْتِنِیه^(۷) یا آنچه که با سنت و روایات پی‌در پی به هندوان فعلی رسیده است نامیده‌اند.

ریگ ودا بیشتر از سرودهایی مخصوص ستایش الهی و یجورودا از سرودهایی مخصوص آیین و مراسم مذهبی تشکیل شده است.

سامه ودا مجموعه سرودهای ریگ ودا است که با آهنگ موسیقی تنظیم شده است و "اتهرودا" راهنمای زندگی مادی و روزمره انسان است.

وداها شامل قسمت‌های مختلفی به نام منتره‌ها^(۸)، براهمنه‌ها^(۹)، آرنیکه‌ها^(۱۰) و اوپانیشاده‌ها^(۱۱) می‌باشند. اوپانیشاده‌ها مهمترین قسمت وداها می‌باشند^(۱۲). بطوری که هندوان اعتقاد دارند که آگاهی و دانش به اوپانیشاده‌ها "اوپدیه"^(۱۳) یا جهل را که از بزرگترین ناتوانی‌های بشر است، از بین می‌برد.

به طور کلی حدود یکصد و هشت اوپانیستاد وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از: ایشه^(۱۴)، کنه^(۱۵)، کنهها^(۱۶)، پرشنه^(۱۷)، موندکه^(۱۸)، ماندوکیه^(۱۹)، آیتریه^(۲۰)، تاپتیره^(۲۱)، جهاندوگیه^(۲۲).

بریه‌دآرنیکه^(۲۳)، کاشی تکی^(۲۴) و شیوتشوتره^(۲۵).

اوپانیشاده‌ها شامل پایه و اساس وداها و حقایق معنوی عمیقی می‌باشند و انسان را در حصول به مقام روحانی مطلوبش راهنمایی می‌کنند و حقایق عظیمی را به بشر می‌شناسانند.

دسته دوم اوپه وداها^(۲۶) یا مکمل وداها می‌باشند که چهار تا هستند. اولین آنها "ایورودا"^(۲۷) است که شامل دانش و طریقه حفظ سلامتی و طول عمر و استفاده از داروهای گیاهی و ریشه گیاهان و میوه‌ها می‌باشد.

دومین "اوپه ودا"، "دهنورودا"^(۲۸) است که دانش تیراندازی و استفاده از اسلحه می‌باشد. حتی اسلحه‌ای مانند گلوله نیز در این کتاب قدیمی ذکر شده است. در آن هنگام، قوانین شدیدی برای جنگ وضع شده بود و استفاده از چنین سلاح‌هایی تنها در هنگام دفع شر، حمایت از افراد ضعیف و ناتوان و حکمایی که در حال تفکر و مراقبه‌اند، مردان مقدس، فقرا و زنان و کودکان مجاز بود.

حتی در طی جنگ، قوانین و مقررات شدیداً رعایت می‌شد. برای مثال، در هنگام غروب خورشید هر دو طرف جنگ اسلحه‌های خود را کنار می‌گذاشتند و در نهایت مسالمت با هم شام می‌خوردند و پس از طنوع خورشید جنگ ادامه می‌یافت.

سومین اوپه ودا، "گندهرو ودا"^(۲۹) دانش رقص و موسیقی می‌باشد. حکیم "بهارته"^(۳۰)، "ناتیه شاستره"^(۳۱)

Atharva veda - ۱

۲- Veda vyasa

۳- Paila

۴- Vaisampayana

۵- Jaimini

۶- Sumanta

۷- amnaya

۸- mantra - یا سرودها

۹- Brahmana - یا نحوه بکار بردن

منتره‌ها در مراسم

۱۰- Aranyaka - یا کتابهای جنگل که

تفسیر عرفانی منتره‌ها و مراسم می‌باشند.

۱۱- Upanishads

۱۲- سرود مشهور بهگو دگیتا نیز به نسبت اهمیت و

قداستی که دارد در شمار وداها قرار می‌گیرد.

(مترجم)

۱۳- avidya

۱۴- Isa

۱۵- Kena

۱۶- Katha

۱۷- Prasna

۱۸- mundaka

۱۹- Mandukya

۲۰- Aitareya

۲۱- Taaittiriya

۲۲- Chandogya

۲۳- Brihadaranyaka

۲۴- Kaushitaki

۲۵- Svetasvatara

۲۶- Upa Vedas

۲۷- Ayurveda

۲۸- Dhanurveda

۲۹- Gandharva Veda

۳۰- Sage Bharata

۳۱- Natya Shastra

خود، دور خورشید می‌چرخد. دانش به نظم شب و، حرکت ماه و خورشید، پیش‌بینی‌های دقیق و عجیب خورشید و ماه‌گرفتگی، شاهدی بر عمق مطالعه منجمین قدیمی می‌باشد. رصدخانه سرباز، در جاپور^(۱۵) با وسایل بسیار دقیق شاهدی بر پیشرفته‌بودن آنان در این دانش است.

کتابهای مذکور قسمتی از شروتی‌ها یا وداها اولین بخش کتاب مقدس می‌باشد.

اسمیریتی‌ها (۱۶)

قسمت دوم از وداها اسمیریتی‌ها به معنای "به‌یادماندنی" هاست. برخلاف شروتی‌ها که دارای ریشه‌الهی‌اند،

۱- Tandu

۲- رقص شیوا جنبه فلسفی و دینی دارد. او با رقص خود جریان تکوین و فناى عالم هستی را نمایش می‌دهد (مترجم)

۳- Arthashastra

۴- Vedangas

۵- Siksha

۶- Panini

۷- Vyakarana

۸- Nirukta

۹- Chandas Shastra

۱۰- Kalpa Shastra

۱۱- Jyotisha

۱۲- Sunya

۱۳- Isavasya

۱۴- Aryabhata

۱۵- Jaipur

۱۶- Smritis

سومین ودانگه، "نیروکته"^(۸) درباره دانش اشتقاق کلمات در منتره‌های ودا می‌باشد. نیروکته دانش زبان‌شناسی است و درباره شکل و معنی کلمات سخن می‌گوید. چهارمین ودانگه، "چندشستره"^(۹) است که عروض و هنر منظومه سازی را می‌آموزد و درباره استفاده از وزن در شعر و نثر گفتگو می‌کند.

"کلیه شستره"^(۱۰) مراسم و آیینهای عبادی را در شعائر مذهبی مورد بررسی قرار می‌دهد.

و آخرین "ودنگه"، "جیوتیشه"^(۱۱) است که درباره علم نجوم می‌باشد. در هند قدیم، دانش نجوم برای تعیین اوقات خجسته برای جنگ یا صلح به کار می‌رفت. پس از قرن هشتم این مکتب اهمیت پیش بینی آینده افراد را مورد مطالعه قرار داد که امروزه به صورتی نامعقول درآمده است.

جهان مدیون ریاضیات هندی است که بعدها به جهان عرب و یونان انتقال یافت. مفهوم صفر یا "شونیه"^(۱۲)، مفاهیم انتزاعی اعداد، جبر، سیستم اعشار، به طور کلی ریشه‌های خود را مدیون هند قدیم می‌باشند. "ایشوشیه اوپانیشاد"^(۱۳) این حقیقت ریاضی متحول را که بی‌نهایت، بی‌نهایت است حتی اگر به اجزاء و اعدادی کوچکتر تقسیم شود، تعلیم داد.

علوم نجوم، مهمترین شاخه دانش "جیوتیشه" بود. هندوان قدیم با ریاضیات عالی خود، نظریات پیشرفته‌شان را از طریق یونان به اروپا فرستادند. "آریهته"^(۱۴)، ستاره شناس قدیمی هندی چنین اظهار داشت: "خورشید دور زمین حرکت نمی‌کند بلکه زمین است که در محور

قدیمی‌ترین کتاب را در این زمینه نوشته است. اعتقاد براین است که بهاراته آن راز حکیم "تندو"^(۱) که خود ناظر رقص شیوا^(۲) بوده فرا گرفته است.

در از بر خواندن وداها بویژه در ساموادی موزون، تکیه بر اوزان و اصوات می‌شد، به همان گونه که عادتاً و به طور شفاهی آموخته بودند. دانش اصوات با تأکید بر سرودن موزون به عالیترین حد خود رسید. گامهای موسیقی گذشته دقیقاً به بیست و دو مرکز صوت تقسیم می‌شد. ابزار موسیقی در هند قدیم شامل تعداد مختلفی از ادوات ضربی مانند ضرب، سازهای بادی مانند فولت و سازهای سیمی مانند وینا (Vina) می‌شد، که هنوز نیز تعدادی از اینها باقی مانده است.

موسیقی روش تقریباً به اله اعظم تلقی می‌شد. ودای هندوان و زنداوستای زرتشتیان نمونه‌های قدیمی شناخته شده‌ای هستند که کلمات را به صورتی موزون کنار هم قرار داده‌اند.

چهارمین سری از اوپه‌ودا، "آرتشستره"^(۳) است. که شامل موضوع سیاست، مقام مدیریت و رفتار تجاری می‌باشد.

سپس ودانگه‌ها^(۴) است که شرح وداها می‌باشند. اولین وانگه، "سیکشه"^(۵) نوشته حکیم "پانینی"^(۶) می‌باشد و درباره دانش آواشناسی و تلفظ و لهجه گفتگو می‌کند.

"پانینی" ودانگه دیگری به نام "ویاکرنه"^(۷) را نیز تألیف کرد. این ودانگه درباره دستور زبان است. و هنوز هم راهنمای دانش‌آموزان در زبان سنسکریت می‌باشد.

اسمیریتی‌ها تصنیف‌های انسانی منظمی هستند که افراد را در رفتار روزانه هدایت می‌کنند و قوانینی را ارائه می‌دهند که اعمال فردی و گروهی جامعه، و ملت را در بر می‌گیرد. اسمیریتی‌ها بعنوان "دهرمه شاستره"^(۱) یا قوانین‌های معطوف به سوی رفتار نیک شناخته می‌شوند.

همچنین یک روز بر همای خالق^(۲) نیز یک کلبه است و به چهار دوره یا یوگه تقسیم می‌شود. که عبارتند از "ستیه" یا "کریتیه یوگه"^(۳)، "تریتیه یوگه"^(۴)، "دوپره یوگه"^(۵)، و دوران حاضر که "کالی یوگه"^(۶) است، عصر اضمحلال فضیلت و پرهیزکاری می‌باشد. هر دوره برای خود قانونگذارانی دارد.

یکصد و هجده اسمیریتی وجود دارد و قانونگذاران بسیاری مانند "مانو"^(۷)، "یجنه"^(۸)، "ولکیه"^(۸)، "شنگه"^(۹)، "لیکھیتیه"^(۱۰) و "پرشهره"^(۱۱) بوده‌اند.

مانو اولین قانونگذار می‌باشد و قوانینش تأثیر عمده‌ای بر روی زندگی مردم این سرزمین گذاشت. اگرچه امروزه قانون هندوبر "یجنه ولکیه" اسمیریتی مبتنی است.

منظومه‌های حماسی

از آنجا که مردم معمولی در خواندن و فهمیدن این کتاب‌ها تبحر ندارند، دسته سومی از کتابها به نام "ایتهاسه" یا "ایکها"^(۱۲) وجود دارد که فلسفه عمیق اوپانیشاد را در شکل مثلثی‌های اخلاقی و داستان برای هدایت عامه مردم ارائه می‌دهد.

عظیمترین منظومه‌های حماسی

هندوییزم، را "مایانا"^(۱۳)، "مهابهاراتا"^(۱۴)، "واسسیشته"^(۱۵) و "هری وانشه"^(۱۶) می‌باشد. آنها را "سوهریتیه سانھیتیه"^(۱۷) یا نوشته‌های دوستانه نیز می‌نامند. زیرا این نوشته‌ها حقایق عظیم را به گونه‌ای آسان و دوستانه و با زبانی قابل درک می‌آموزانند.

در این میان "رامایانا" و "مهابهاراتا" برای غالب هندوان حتی بیسوادان نیز شناخته شده است، چرا که سالیان درازی است که دهان به دهان نقل گشته‌اند. "رامایانا" و "مهابهاراتا"، کمالهای مطلوب هندوییزم را در قالبی ساده آموزش می‌دهند.

از بین این دو "راما"، تألیف "حکیم والمیکي"^(۱۸) مردمی‌تر است، که به "آدی کاویه"^(۱۹) یا اولین تصنیف شعرگونه جهان معروف است. در این حماسه داستان را ما بعنوان تجلی خداوندگار و یشتو، که بر روی زمین متولد شده تا طریقه درستکاری را نشان دهد، به تصویر کشیده شده است.

"دشرتیه"^(۲۰)، پادشاه "ایودھیه"^(۲۱)، چهار پسر داشت. راما فرزند اولین ملکه او بود "کاسولیه"^(۲۲) و "لکشمنه"^(۲۳) و "شتروگهنه"^(۲۴) فرزندان دومین ملکه او بودند و "سومتره"^(۲۵) و "بهاراتا"^(۲۶) که فرزندان ملکه مورد علاقه او "کایکیه"^(۲۷)

Dharma Shastras - ۱

۲- آفریش شب و روز برهماست. شب‌ها خلقت از بین می‌رود و روز دوباره آن را خلق می‌کند. به عبارت دیگر ظهور و بطون آفریش شب و روز برهماست. زمانی که برهما نفس را داخل می‌کشد عالم هستی غیب می‌شود. این مرحله "اویکت" (avyakta) نامیده می‌شود. و زمانی که نفس را بیرون می‌دهد جهان دوباره خلق

می‌شود. وی اکت (Vyakta) عالمی است که

الان در آن هستیم. (مترجم)

۳- Satya or Krita Yuga

۴- Treta Yuga

۵- Owapara Yuga

۶- Kali Yuga

۷- Manu

۸- Yajna Valkya

۹- Shankha

۱۰- Likhita

۱۱- Parashara

۱۲- Itihasas

۱۳- Ramayana

۱۴- Mahabharata

۱۵- Yoga Vasishta مسجوعه‌ای

عرفانی است و جزء حماسه‌هایی باشد، این کتاب

در زمان اکبر شاه مغول به فارسی ترجمه شده و

اخیراً به چاپ رسیده است. (مترجم)

۱۶- Harivamsa دنباله مهابهاراتا و در

باره زندگی کریشنا می‌باشد. و نش در لغت بمعنای

بندهای نی است. در اینجا به معنای سلسله نسب

"هری" (منظور کریشناست) می‌باشد و زمینه‌ای

است بر مهابهاراتا. (مترجم)

۱۷- Suhrit Samhitas

۱۸- Rishi Valmiki

۱۹- Adi Kavya

۲۰- Dasaratha

۲۱- Ayodhya

۲۲- Kausalya

۲۳- Lakshmana

۲۴- Shatrughna

۲۵- Sumitra

۲۶- Bharata

۲۷- Kaikeyi

بودند.

راما بنا بر فرمان نامادش "کایکیه" برای مدت چهارده سال به جنگل تبعید شده بود. او با همسرش "سیتا"^(۱) و برادرش "لکشمنه" به جنگل رفت. راوانا پادشاه دیوان سیتا را ربود. سپاه میمونها "راما" را یاری کردند و او به کمک "هانومن"^(۲) که با وفاترین آنها بود با "راوانا" جنگید و او را شکست داد و سیتا را برگرداند. سپس تاج شاهی بر سر نهاده و بر "ایودهیه"^(۳) فرمانروایی کرد.

قلمرو سلطنت راما، یکی از بهترین مناطق بود، در آن جا هیچ غم و اندوهی وجود نداشت و همه سعادت مند بودند. "ایودهیه" سرزمینی شد که تساهل و تفاهم بر اعمال همه حاکم بود و حتی پادشاه، طبق خواست مردم عمل می کرد. رفتار مطلوب حکام و مردم اعم از مردان و زنان، با اعمال شخصیت های این حماسه رزمی نشان داده می شود.

مثلاً برای به تصویر کشاندن ملکه های نمونه، ملکه هایی نظیر "دسارتهه"^(۴)، "کاتسلیه" و "سامیترا" معرفی می شدند. نرمخو اما قوی که حیثیت پادشاه و پادشاهی را مقدم بر علاقه به پسرانشان دانستند.

"دسارتهه" پیشتر از این دو لطف به "کایکیه" کرده بود و درخواست کرده بود که راما برای مدت چهارده سال به جنگل فرستاده شود و پسر خودش شاه باشد. راما، پسر نمونه، با رغبت موافقت کرد که برود و "لکشمنه" او را همراهی کرد. مادران ایشان "کاتسلیه" و "سامیترا" پسران محبوبشان را به جنگل فرستادند تا شاه دسارتهه بتواند قولش را حفظ کند. دومین درسی که از این

حماسه گرفته شد، اهمیت قول داده شده، بخصوص قول حاکم بود.

"بهاراتا"^(۵) توصیف خصایل انسانی با موازین عالی اخلاقی است. هنگامی که او از دیدار عمویش باز می گشت، دریافت که مادرش، برادرش را به جنگل تبعید کرده است و پدرش از این غصه در گذشته است. گرچه او نمی خواست جانشین پادشاه شود اما از آنجا که "راما" گفته بود مادامیکه تمامی چهارده سالی را که او به پدر مرحومش و نا مادری اش قول داده بود تمام نشود، بر نمی گردد، لذا بهاراتا، پادوکا^(۶) دمپایی چوبی برادرش را برداشت و آنها را بر تخت گذاشت و تا زمان برگشت برادرش بعنوان نایب السلطنه حکومت کرد.

مردم خصایل پادشاه نمونه را از ویژگی های "راما"، و خصایل یک زن نمونه را از شخصیت قوی اما آرام "سیتا" و خصایل برادران نمونه را از رفتار "بهاراتا"، "لکشمنه" و "شتروگهنه"^(۷)، می آموزند.

وفاداری، ایمان و عشق بی پایان در خصوصیات اخلاقی "هانومن" میمون که به "راما" کمک کرد به "لانکا" برود و "راوانا" را شکست دهد، به تصویر کشانده شده است، زمانیکه تیری مسموم به "لکشمنه" اصابت کرد و به گیاهان دارویی کوه "اوشادهی"^(۸) در هیمالایا احتیاج داشت، "هانومن" تمام مسیر را به طرف شمال پرواز کرد. اما هنگامی که به آنجا رسید دریافت که آن گیاه را نمی شناسد. سپس با فکر این که اگر "لکشمنه" نجات نیابد رامای محبوب او نیز زنده نخواهد ماند، تمام کوه را بلند کرد و به "لانکا" برد.

توان بالقوه برای انجام خیر و شر به طور

مستمر در تمامی موجودات نهاده شده است. نابودی شر به وسیله خیر، با واسطه یک فرد یا مداخله الهی زمینه اصلی هندوییزم است.

اما تمام دیوان، بدو شریر نبودند. "وگاها" حائز ویژگی های خوب نیز بوده اند. "راوانا" شاه دیوان "لانکا"، دانشمند بزرگی بود. هرچند "سیتا" را ربوده بود تا ملکه خود کند، با این حال با او با احترام رفتار می کرد؛ به او آزار و صدمه ای نرساند و منتظر موافقت او برای ازدواج بود تا با او ازدواج کند.

"هانومن"، در تلاشش برای پیدا کردن محلی برای سیتا، راوانا را دید به شدت حیرت کرد و گفت: "چه شجاعتی! چه مقاومتی! چه خصایل بارزی در "راوانا" می باشد!

برادر "راوانا" "کومبیه کرنه"^(۹) بشدت با ربودن سیتا مخالفت کرد، لیکن بدین سبب که تحت حمایت راوانا پیشرفت کرده و نمک او را خورده بود، از ترک برادرش به هنگام خطر خودداری کرد.

مردم از طریق داستانهای "رامایانا" که برای آنها سروده شده است، تفاوت بین درست و غلط را یاد می گیرند و شناخت

۱- Seeta

۲- Hanuman

۳- Ayodhya

۴- Dasaratha

۵- Bharata

۶- Paduka

۷- Shatrughna

۸- Oshadhi

۹- Kumbhakarna

کاملی به ارزشها پیدا می‌کنند و رفتار مطلوب را می‌آموزند.

دومین حماسه رزمی بزرگ هندو، "مهاباراتا" (۱) تألیف حکیم "ویاسه" (۲) می‌باشد که درباره جنگ بزرگ بین دو خانواده شاهی، پنج برادر درستکار "پاندو" (۳) و صد پسر عموی شرش "کوروها"ست (۴). شخصیت اصلی این شعر حماسی "کریشنا" (۵)، مرد عمل و سیاست و تجسم ویشنو بر روی زمین است.

هنگامی که "آرجونا"، جنگجوی بزرگ و یکی از برادران "پاندو"، به میدان جنگ رفت و آماده نبرد شد، دید که دشمنان صف کشیده در مقابل او همه خویشان نزدیک او هستند - پسر عموها و عموها - لذا از جنگ با ایشان خودداری می‌کند. "کریشنا" ارباب‌ران "آرجونا" اهمیت دهرمه را برای او روشن می‌کند و به او هشدار می‌دهد که جنگ برای نیکی است. "کوروها" نمایندگان شر باید به خاطر بقای دهرمه یا درستی و نیکی بر روی زمین، نابود گردند.

"سوامی واپوی کننده" (۶)، میدان جنگ "کروکشره" (۷) را با این جهان مقایسه می‌کند. پنج برادر "پاندو" نمایندگان آیین درستی هستند و آن صد "کورو" نماینده هزاران تعلق دنیوی که ما باید با آنها مبارزه کنیم.

تعالیم خداوندگار کریشنا، "بهگودگیتا" (۸) سرود الهی نامیده می‌شود و قسمتی از سخنرانی ما بین خداوندگار "کریشنا" و "آرجونا" در میدان جنگ "کوروکشره" و در طی جنگ بزرگ مهاباراتا می‌باشد. در این کتاب مقدس خداوندگار کریشنا، "نیشکمه کرمه" (۹) یا عمل بدون

آرزو و شهوت و بدون هرگونه نگرانی درباره ثمره و نتیجه عمل را مورد تأکید قرار می‌دهد. در این کتاب مقدس وظایف انسان نمونه، آمده است. و او را تا آنجا که ناظر به قلب و فکر اوست مانند یک مرتاض یا شخصی که تعلقات دنیوی ندارد و همچنین بعنوان مرد عملی که بدیهیهای جامعه را به نیکی مبدل می‌گرداند، معرفی می‌کند.

یک تمثیل جالب، مقایسه اوپانیشادوگا، "بهگودگیتا" باشیر، "کریشنا" با چوپان و "آرجونا" با گوساله است. به عبارت دیگر "کریشنا" جوهر اوپانیشاد را می‌دوشد. و شیر، "بهگودگیتا" است که "آرجونا" با آن تغذیه می‌شود.

"شنتی پرو" (۱۰) قسمتی از مهابهارا آراست که تعالیم "بهیشماپیتامه" (۱۱) عموی بزرگ خانواده و جد پاندوها را در بر می‌گیرد. این کلمات نغز زمانی ادا شده بود که بهیشما بسختی مجروح و در انتظار مرگ بود. او در گفتارش "یودیشتره" (۱۲) پیرترین برادر پاندورا به دهرمه یا رفتار و وظیفه درست در سیاست امر می‌کند و وظایف یک حاکم را به او تعلیم می‌دهد. این تعالیم، دهرمه (۱۳) هندویی است.

بنابراین مردم از مهابهاراتا، قوانین و رموز رفتار ایده‌آل و مطلوبی را که برای مرد و زن، شاه و یا مردم عامی وضع شده بود، آموختند.

"پورانا" (۱۴)

پورانها چهارمین دسته کتابها پس از شروتیها، اسمیریتیها و ایتیهاسه است، هجده پورانها وجود دارد. (از بین آنها بهگودگیتا، ویشنو و مارکندیه (۱۵) پورانها

مشهورترینند). هجده مکمل یا اوپه پورانها (۱۶) نیز وجود دارد که برای مطالعه دانشمندان، روشنفکران، یا کسانی که از لحاظ روحی کامل شده‌اند مناسب نیست. "اوپه پورانها" حقایق وداها و دهرمه سوتره را در قالب داستانهای کوتاه بازگو می‌کنند و غالباً بچه‌ها، روستاییان ساده و بیسواد را مخاطب قرار داده‌اند، این داستانهای خیالی پایه

۱- Mahabhata

۲- Sage Vyasa

۳- Pandava

۴- Kauravas

۵- Krishna

۶- Swami Vivekananda

۷- Kurukshetra

۸- Bhagavad gita

۹- Nishkama Karma

۱۰- Shanti Parva شنتی پرو، کتاب

دوازدهم مهابهاراتا است و در آن از قول بهیشما

تعالیم اخلاقی و حکمت و اندرز بیان می‌شود

(مترجم)

۱۱- Bhishma Pitamaha، بهیشما

شخصیت بسیار مهم در اسطوره مهابهاراتا و

مخصوصاً در جنگ میان پاندوها و "کوروها" بود،

او فرمانده سپاه کوروها و مردی دانا بود و سخنان

حکیمانه بسیاری از قول او در مهابهاراتا نقل شده

است. (مترجم)

۱۲- Yudishtira یودیشتره، رئیس قبیله

پاندواست.

۱۳- Dharma

۱۴- Puranas

۱۵- Markandeya

۱۶- Upa Puranas

تعلیم و تربیت مذهبی مردم عامی را تشکیل داده و کمک کرده است که حقایق ساده اما اساسی دین و اخلاق مانند درستی و نادرستی در رفتار تعلیم داده شود.

پورانها دهان به دهان نقل شده است دیوارهای معابد منقش به داستانهای "پورانها" روشی بصری برای تعلیم و تربیت عوام است.

مثلاً برای تعلیم این مسأله که خدا همه جا هست و همیشه برای کمک به محبتش می‌آید، داستان "پرهلاده" (۱) نقل می‌شود. شاه دیوان "هیرینه کشیپو" (۲)، پدر "پرهلاده" بسیار کوشش کرد تا به پسرش بیاموزد که قدرتمندتر از او وجود ندارد. اما "پرهلاده" غرق عبادت خدا شده بود. "هیرینه کشیپو" بر سر پسرش فریاد زد: "که هیچ‌کس را جز من عبادت مکن! "هیرینه کشیپو" از همه مقتدرتر است. من حیاتی دارم که هیچ انسانی، هیچ چهارپایی و هیچ سلاحی نمی‌تواند مرا بکشد. من نه در خانه و نه در خارج آن، نه در روز و نه در شب، نه در زمین و نه در آسمان نمی‌میرم. پس این خدایی که تو همیشه از او سخن می‌گویی کجاست؟ چرا خود را بر من آشکار نمی‌کند! اما "پرهلاده" اصرار می‌ورزید که خدا در همه جا هست، "هیرینه کشیپو" در حالیکه ستون را گرفته بود گفت: "آیا او در این ستون است، اگر هست بگذار خارج شود و با من بجنگد و اگر نه ترا خواهم کشت."

"ویشنو" در شکل "نرسیمه" ظاهر شد و شر را نابود ساخت.

"هیرینه کشیپو" را نه انسان و نه چهارپا، بلکه "ویشنو" در قالب نر شیمه (نیمه انسان و نیمه شیر) از بین برد. او نه در قصر و

نه در خارج قصر بلکه بر روی پلکان و در آستانه در، و نه در روز و نه در شب بلکه هنگام طلوع خورشید، و نه در آسمان و زمین بلکه در حالیکه بر زانوی ویشنو نشسته بود کشته شد.

پورانها توانایی زن خوب و پاکدامن را در قالب داستانهایی مانند "ساویتری" (۳) تعلیم می‌دهد. ساویتری دختر پادشاه مدرس بوده. او "سیتون" (۴) پسر کور شاه مخلوع "دیومتسنه" (۵) را بعنوان همسر برگزید. زوج جوان به همراه والدین "سیتونه" در جنگل زندگی می‌کردند. ساویتری از طریق حکیم "ناراداه" (۶) فهمیده بود که "سیتونه" تا یک سال دیگر می‌میرد. روز موعود هنگامی که سیتونه برای بریدن چوپ خارج شد او نیز به دنبال همسرش به جنگل رفت. در تمام اوقات نگران بود که چگونه می‌تواند از مرگ او پیشگیری کند.

"ساویتری" با قدرت خلوصش "یم" (۷) خدای مرگ را دید که "پراتا" (۸) یا حیات "سیتونه" را با خود می‌برد. او را دنبال کرد و با کلمات بسیار نغز و حکمت آمیزش "یم" را مورد لطف و محبت خود قرار داد. "یاما" به او گفت اگر حیات "سیتون" را نخواهد چهار آرزوی او را برآورده می‌کند، در چهارمین آرزو "ساویتری" از "یاما" خواست که صدها پسر داشته باشد، "یاما" نیز آرزوی او را پذیرفت.

سپس از "یم" پرسید، چگونه او که زنی پاکدامن است می‌تواند صدها پسر داشته باشد در حالیکه همسرش دیگر زنده نیست. "یاما" اگر به قولش وفا نمی‌کرد اشتباه بزرگی مرتکب می‌شود. پس "سیتون" را زنده به ساویتری برگرداند. قدرت و توانایی زن

نیکوکار در مقابل خدایان و دیوان مطلبی است که غالباً در پورانها تکرار شده است.

در داستان "شراونه" به اهمیت مراقبت از سالمندان اشاره می‌کند. "شراونه" پسر جوانی بود که به خاطر مراقبت از والدین پیر و کورش از خوشبختی‌های دوران کودکی و نوجوانی‌اش چشم پوشید.

هنگامی که پدر و مادرش آرزو کردند به زیارت شهرهای مقدس بروند، آنها را در سبدهای بامبوکه به تیری چوبی بسته شده بود گذاشت آن را بر شانه‌هایش گذاشت و با زحمت فراوان اما با روحیه‌ای شاد سفر را به انجام رسانید.

یکی دیگر از داستانهای جالب توجه "پورانها" داستان پادشاه "یوشینره" (۹) از خاندان شی‌بی (۱۰) است. او پادشاهی بزرگ و عادل و بی‌نهایت سخاوتمند بود. روزی کبوتری که از بازی گریخته بود به او پناه برد. باز به دلیل از دست دادن چنان غذای خوبی اعتراض کرد. پادشاه "شی‌بی" به عوض آن گوشت تن خود را به باز پیشنهاد کرد، هرچه بیشتر از گوشت بدنش می‌برید، وزن کبوتر بیش از آن بود سپس "یوشینره" کل وجود

۱- Prahlade

۲- Hiranyakashipu

۳- Savitri

۴- Satyavan

۵- Dyumatsena

۶- Narada

۷- Yama

۸- Prana

۹- Usinara

۱۰- Sibi

خود را عرضه کرد و تعادل برقرار گشت. ایندرا شاه "دواها"^(۱) و "آگنی" خدای آتش به شکل باز و کبوتر درآمد بودند؛ تا سخاوت و عدالت پادشاه "شی-بی"، "یوشینره" را مورد آزمایش قرار دهند. این داستان اهمیت سخاوت در زندگی فرد را نشان می‌داد.

برای تعلیم حقیقت‌جویی و وفای به عهد داستان‌هایی مانند داستان شاه "هریش چندره"^(۲) وجود دارد. او برای بازپرداخت مبلغ پولی که به "ویشوه میترا"^(۳) قول داده بود سلطنت را رها کرد. همسر و پسر محبوبش را بعنوان برده و نهایتاً خود را نیز به نگاهبان جایگاه مرده سوزی فروخت تا آخرین قسط مبلغ معهود را بپردازد. زمانی که همسرش "چندرهمتی"^(۴) بدن مرده پسرش "روهیت سوه"^(۵) را برای سوختن آورد غم و اندوه "هریش چندره" را حدو مرزی نبود. پس هر دو تصمیم گرفتند که خود را به همراه پسرشان به داخل توده هیزم بیندازند. "ایندرا" (شاه خدایان) و "یاما" (خدای مرگ) هر سه را نجات دادند و اعتراف کردند که حقیقت‌جویی هریش چندره حتی برای خدایان آموزنده بود.

"سودمه"^(۶) برهمنی بینوا با تعداد زیادی بچه بود. او در طی دوران کودکی در صومعه حکیم "سندی پنی"^(۷)، دوست خداوندگار کریشنا بود. روزی، که حتی لقمه‌ای خوراک در خانه نبود، همسرش او را وادار کرد تا به نزد "کریشنا" برود و کمک بخواهد. تنها هدیه‌ای که برای "کریشنا" برد چند مشت برنج کوبیده شده بود، او خجالت می‌کشید این هدیه کوچک را به کریشنای بزرگ دهد. "کریشنا" برنج را به زور از مشت

او بیرون آورد و در دهان خود گذاشت. "سودمه" هیچ درخواستی از "کریشنا" نکرد. اما پس از این که برگشت خانواده‌اش را شادمان در خانه‌ای مجلل یافت.

داستان "سودمه" به مردم نشان می‌دهد که ناچیزترین هدیه هنگامی که با عشق باشد خدا را راضی می‌کند، همچنین دوستی راستین، نا برابری حاصل از مقام و ثروت را از میان بر می‌دارد.

ده تجسم، یا اوتارهای^(۸) خداوندگار ویشنو بر روی زمین در پورانا نیز آمده است. این تجسمها کمکهایی را که خداوندگار ویشنو در طی مراحل مختلف سیر تکامل انسان با ظهورش در شکل‌های مختلف بر روی زمین انجام داده است به تفصیل بیان می‌کند.

اوتارها به نوع بشر می‌آموزند که خدا، دهرمه یا عدالت را دوباره برقرار کرده است و بی‌عدالتی را در هر زمانی با ظهور در تجسم‌های مختلف بر روی زمین از بین برده است.

با اوتار "متسیه"^(۹) (ماهی) شروع کرده است. سپس بگونه "گورمه"^(۱۰) (لاک‌پشت)، "وراهه"^(۱۱) (گراز)، "نرشینهه"^(۱۲) (نیمه‌انسان و نیمه شیر)، "وامنه"^(۱۳) (کوتوله)، "پرشورامه"^(۱۴) (مرد خشمگین)، "راما"^(۱۵) (انسان کامل)، "کریشنا" یا زامندار الهی و بودا (انسان شفق) ظاهر شده است.

اولین اوتار (ماهی) را ویشنو در پایان آخرین کالیه یا دوره به هنگام طوفانی که جهان موجود را نابود ساخت به خود گرفت. "ویشنو" حکیمی به نام "ست یورته"^(۱۶) را برگزید و فرمان داد تا هفت حکیم

بزرگ و نمونه، تمام حیوانات، پرندگان، گیاهان و دانه‌ها را جمع کرده و در کشتی منتظر بماند. سپس در طی شب طولانی بر هما ماهی طلایی عظیم الجثه‌ای کشتی را در اقیانوس‌های متلاطم کشید تا طوفان پایان یافت و بر هما جهان کنونی را خلق کرد. این اوتار شبیه داستان کشتی نوح در عهد عتیق است و شاهدی برای نزدیکی باورهای ادیان قدیمی می‌باشد. شرح دیگر

۱- دواها (Devas) از خدایان ودایی در مقابل اسوره‌ها (asuras) می‌باشند که در قسمتهایی از کتب عصر ودایی با یکدیگر مخاصمه دارند و در درجه پایتتری از اسوره‌ها قرار می‌گیرند. ولی بطور کلی در ادبیات ودایی دواها خدایان برتر به شمار می‌روند. (مترجم)

۲- Harischandra

۳- VishWamitra

۴- Chandramati - در برخی از

قسمتهای کشور هندوستان بعنوان ترمی

(Tramati) شناخته شده است.

۵- Rohitsawa

۶- Sudama، کوچله (Kuchela)

نیز نامیده می‌شود.

۷- Sandeepani

۸- Avatar

۹- Matsya

۱۰- Kurma

۱۱- Varaha

۱۲- Narasimha

۱۳- Vamana

۱۴- Parasurama

۱۵- Rama

۱۶- Satyavrata

می‌شود و به سیستم پرتی بهیگنه^(۱۳) از شیواپرستی کشمیر رهنمون می‌کند. در این آگمه اله اعظم تحت نامها و شکلهای مختلف شیوا پرستیده می‌شود.

همین‌طور در "آگمه ویشنویی"^(۱۴) نیز دو مکتب عمده به نامهای "پنچراتر"^(۱۵) و "وایکهنسیه"^(۱۶) وجود دارد، که هر دو "ویشنو" را ستایش می‌کنند. از میان این دو "پنچراتر" عمومیت بیشتری دارد و اعتقاد دارند که این آگمه را خدای اعظم خود در شکل "ویشنو" وحی کرده است.

آگمه شکتی، دوی^(۱۷) همسر شیوا را بعنوان مادر عالم پرستش می‌کند، که مانند شکتی قوه خلاقه‌ای است که اساس آفرینش

از آیینهای عبادی بعد از آن پیراسته سازد. او یاد داد که تمام غمها از علایق و آرزوها ناشی می‌شود و از طریق اعتدال و میانه روی حمایت کرد که شامل هشت مرحله: نظر درست، عزم (تصمیم) درست، گفتار درست، رفتار درست، معاش درست، تلاش درست، آگاهی درست و مراقبه درست می‌باشد.

هندوان ایمان دارند که در انتهای این عصر یا "کالی یوگا"^(۱۸) یک کشتار همگانی با آتش روی خواهد داد و در آن هنگام که آخرین اوتار (کالکی)^(۱۷) برای نجات نوع بشر و احیای دهرمه یا دوستی ظهور خواهد کرد.

تاکنون بطور خلاصه چهار قسمت از کتابهای مقدس را مورد بررسی قرار داده‌ایم. اولین قسمت، شروتی‌ها یا واداها که همان روح هندوویزم با ریشه‌الهی می‌باشد، اینان ازلی و ابدی هستند. "آسمیریتی‌ها" یا دهارمه شوستره طبق زمان قابل تغییراند. حقایق شروتی‌ها و آسمیریتی‌ها به وسیله اشعار حماسی و پورانها به مردم رسیده است.

"آگمه‌ها"^(۱۸)

پنجمین قسمت از کتب مقدس آگمه‌ها هستند که اصول کلامی و عقاید جداگانه‌ای را برای عبادت خدایان ویژه‌ای وضع کرده‌اند.

از آگمه‌ها سه فرقه اصلی در میان هندوها پدیدار می‌شود: "شیوایی"^(۱۹)، "ویشنویی"^(۱۰)، "شکتی"^(۱۱)

آگمه شیوایی به مکتب فلسفی‌ای که در جنوب، شیوایی "سیده‌هاتته"^(۱۲) نامیده

این است که روزی دیوی، چهار ودا را دزدید و آنها را زیر دریا پنهان کرد ویشنو به شکل یک ماهی بزرگ درآمد و کتب مقدس را پس گرفت.

در اوتارکورمه ویشنو به شکل لاک پشت درآمد تا برای یافتن آب حیات^(۱) که دیوان نیز در پی او بودند به "دواها" یاری دهد. "دواها" و "سوره‌ها" دریا را بر هم زدند تا این نوشابه جاودانگی را بدست آورند، برای این‌کار مار "یسوکی"^(۲) را بعنوان طناب پا روی کره‌گیری و کوه "مندره"^(۳) را بعنوان پارو برای بدست آوردن این ماده حیات بخش به کار بردند. برای این که کوه در اقیانوس فرو نرود، ویشنو همانند یک لاک پشت عظیم الجثه کوه را در زیر آب نگاه داشت و هنگامی که آب حیات را پیدا کرد آن را به واداها داد.

در پایان طوفان، در آخرین کالپه یا دوره، "بهومی دوی"^(۴) (مادر زمین) به ته اقیانوس فرو رفت، "ویشنو" به شکل یک گراز نر در داخل اقیانوس فرو رفت، پوزه بزرگ الهه را گرفت و او را از آب بیرون آورد. به منظور نابودی "بالی"^(۵) شاه دیوان، "ویشنو" شکل یک آدم بسیار قدکوتاه (وامنه) را گرفت.

هنگامی که پادشاهان زمین مستبد گشتند و شروع به آزار مردم معمولی و حکیمان در جنگلها کردند، "ویشنو"، اوتار "پرشورامه" را گرفت و طبقه کشاتریا (شاهزادگان) را نابود ساخت.

آن زمان که روحانیت موجب تکبر گشت و روحانیون از شعائر دینی برای بهره‌کشی از مردم استفاده می‌کردند، "ویشنو"، اوتار بودا را به خود گرفت تا مراسم هندو را

۱- nectar - کلمه Amritabindu

(امیرته بیندو) به زبان سانکریت همان نکتار است.

(مترجم)

۲- Yasoki

۳- Mandara

۴- Bhoomi devi

۵- Bali

۶- Kali Yga

۷- Kalki

۸- Agamas

۹- Shaiva

۱۰- Vaishnava

۱۱- Shakta

۱۲- Shiva Siddhimnta

۱۳- Pratyabhigna

۱۴- Vaishnava Agma

۱۵- Pancharatra

۱۶- Vaikhanasa

۱۷- Devi

همه موجودات و خلاقیت و هلاکت آنهاست. کیش تنتره^(۱) از "تنتره" سرچشمه می‌گیرد نه از "وداها" (و بنابراین هندو نیست). اما در دوره‌های بعد تاریخ هندو خود را منسوب به شکتی می‌کند. بسیاری از حرکات جادویی و رمزی و هنرهای عاشقانه‌ای که امروزه بر دیوار معابد شاهد آن هستیم ریشه در عبادت تنتره‌ای دارند. گرچه هندوییزم و فلاسفه مهم هندویی هیچگاه این کیش را کاملاً نپذیرفتند.

این مجموعه از کتب مقدس مومنینی را راهنمایی می‌کند که یکی از تجلیات خدای اعظم را می‌پرستند.

هر "آگمه" چندین قسمت دارد. اولین قسمت شامل فلسفه و دانش معنوی است که اشکال عبادی بیان‌کننده آن است. دومین قسمت یوگا و اصول ذهنی‌ای را که مقتضی هر مکتب عبادی است، در برمی‌گیرد. و در قسمت سوم هر آگمه، بخش مهمی وجود دارد که قوانین لازم برای ساختن معابد را شامل می‌شود. به همین دلیل طرح معابد ساخته شده در همه قسمتهای کشور هند یکسان است. برخی از معابد با اضافه کردن "مندپه"^(۲) یا راهروها نسبت به دیگر معابد کامل‌ترند. اما طرح اصلی یکسان است و به همان نحو است که در آن آگمه برای انجام شعائر عبادی وضع شده است. عبادت حتی در معابد، فردی است نه جمعی. و این مسئله کوچکی قضای مقدس معبد^(۳) و مسیره‌های تنگی طواف^(۴) را توجیه می‌کند.

در قسمت سوم هر آگمه قوانین مربوط به تراشیدن یا کنده‌کاری صورتهای خدایان آمده است که از نظر اهمیت با قسمت پیش

یکسان است. حتی جزئیاتی مانند اینکه "راما" چگونه کمانش را نگه می‌دارد، و طول بازوان او و نحوه ایستادن با وقار سیتا، بگونه‌ای نوشته شده‌اند که در هر قسمتی از این سرزمین پهناور که معبدی ساخته می‌شود این قوانین نیز رعایت می‌شود. تفاوتها، تنها در شکل‌های صوری است که معمولاً از ویژگیهای نژادی اهالی بومی نشأت گرفته است.

چهارمین قسمت آگمه، قوانین مربوط به انجام مراسم و شعائر مذهبی در خانه و جامعه و همچنین اجرای جشنهای مذهبی را دربرمی‌گیرد. جزئیات زیاد موجود در آگمه‌ها، نمایانگر اختلاف فرهنگی زیادی است که در این کشور به چشم می‌خورد.

زیباترین جنبه آگمه‌ها، حجم سنگین متنهای شاعرانه و اشعار عاشقانه به تمام زبانهای هندی است که بطور چشمگیری به غنای شعری و نبوغ ادبی این سرزمین افزوده‌است.

"مکاتب فلسفی"^(۵)

ششمین یا آخرین مجموعه کتابهای مقدس، شش در شنهه است که مکاتب فلسفی‌اند و راهنمای روشنفکران و دانشمندان می‌باشند. این مکاتب عبارتند از: ۱- "نایایا"^(۶) مؤسس حکیم "گوتمه" ۲- "وایشیشکه"^(۷) بنیانگذار "کنده" ۳- "سانکھیه"^(۸) بیانگذار "کاپیلامونی" ۴- "یوگا" بنیانگذار "پتنجلیسی"^(۹) ۵- "میمامسه"^(۱۰) بیانگذار "جایمینی" ۶- "ودانته"^(۱۱) بیانگذار "بدرینه" (ویاسه).

فلسفه نایانا بر اساس منطق و استدلال محض است اگرچه این روش امروزه

شایع نیست. اما تأکید آن بر روی منطق و مناظره و بحث^(۱۲) بر روی تمامی افکار در هند در طی قرون اثر گذاشته است.

مکتب وایشیشکه اولین مکتبی است در جهان که می‌گوید جهان در برگیرنده اتمهای بیشماری است که هرکدام کیفیت ویژه^(۱۳) خود را دارد. عقاید نیانه و وایشیشکه با هم تلفیق گشته و مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

اگر چه سانکھیه بر منطق و استنباط تأکید می‌ورزد مع الوصف اعتقاد اصلیش این است که جهان شامل دو عنصر پوروشا^(۱۴) و پراکریتی^(۱۵) می‌باشد. سانکھیه قدیمیترین مکتب هندی است و در

۱- کیش تنتره جریان دینی بومی غیر ودایی بوده است که ادامه پیدا کرده و با دین بودایی و شیوا پرستی ترکیب شده است. دارای اعمال و عقاید خاصی از جمله قربانیهای خونین است و چندان مورد قبول جامعه برهنی نمی‌باشد.

۲- Mandapas

۳- Sanctum Sanctorum

۴- منظور دور محراب گشتن و خواندن سرودهای عبادی است.

۵- Darshanas

۶- Nyaya _ Gutama

۷- Vaiseshika _ Kanada

۸- Sankhya _ Kapila Muni

۹- Yoga _ Patanjali

۱۰- Mimamsa _ jaimini

۱۱- Vedanta

۱۲- Tarka

۱۳- Vissha

۱۴ و ۱۵- Purusha و Prakriti به معنای روح و ماه می‌باشند.

"ودانته" به فکر و درک منطقی فرد دست می‌یازد و پاسخهای قانع‌کننده‌ای به شکهای روحانی انسانهای عاقل در تمام دوره‌ها می‌دهد. مکتبی فلسفی‌ست که هم به افکار عرفانی فرزنانگان شرق و هم به فلاسفه جهان غرب می‌پردازد.

۱- یجنه (Yajna) یا مراسم قربانی، بدان گونه که غالباً فهمیده می‌شود بمعنای قربانی حیوان نیست بلکه به این معنا است که در حالیکه کره (ghee) گسی آب می‌شود و غلات و سایر پیشکشها در آتش مقدس ریخته می‌شود، وداها خوانده می‌شود.

۲- Karma Kanda

۳- Upasana Kanda

۴- Jnana Kanda

۵- Prasthanaya

۶- Adi Shankara

۷- Ramanuja

۸- Madhvacharya

۹- Spinoza

۱۰- Nietzsche

۱۱- Schopenhauer

می‌گوید: "از طریق حقیقت می‌توان به الوهیت رسید. پیروزی تنها با حقیقت است، غیر حقیقت هرگز پیروز نمی‌شود." این تأکید بر حقیقت و تحقیق و تجربه روحانی فردی از ودانته، فلسفه‌ای می‌سازد که مورد قبول پیرو جوان است و برای همه مردم و تمامی افکار دنیا قابل اجراست.

ریشه فرهنگ و اعتقادات هندوان ودانته است و تمام تفکرات هندی متأثر از آن است گرچه ممکن است بدان آگاه نباشند. "اوپانیشادها"، "ودانته" سوتره، و "بهگودگیتا"، "پرستشانه‌تریه" (۵) یا سه کتاب مقدس توانمند هندووییزم نامیده می‌شوند. سه تفسیر بزرگ برودانته سوتره "ادی شانکارا" (۶)، "رامانوجا" (۷) و "مدهوچریه" (۸) می‌باشند. از زمانهای بسیار دور، ودانته بر روی افکار متفکران بزرگ تأثیر گذاشته است. متفکران یونانی مانند افلاطون و فلاسفه اروپایی متأخر مانند "اسپینوزا" (۹)، "نیچه" (۱۰) و "اسکوفتر" (۱۱) کم و بیش از فلسفه ودانته‌ای که حکمای قدیمی دوره اوپانیشادی تفسیر کرده‌اند تأثیر پذیرفته‌اند.

"مهابهاراتا" درباره آن سخن گفته شده است. "میامسه" تأکید زیاد خودش را بر قربانیها (۱) و شعائر مذهبی ودایی قرار می‌دهد. ودانته به معنای پایان وداها است. و دکتترین خود را بر مبنای اوپانیشادها قرار می‌دهد. از میان این شش مکتب فلسفی، "ودانته" بعنوان معتبرترین مکتب برای زمان حاضر در نظر گرفته شده است. از جمله تعالیم ودانته این است که تنها با تجربه روحانی فردی می‌توان به خدای برتر رسید. این مکتب فکری برای افکار جدید، قابل قبولتر است.

هرودا شامل "کرمه‌کنده" (۲) که درباره مراسم مذهبی بحث می‌کند و "اوپسنه‌کنده" (۳) که درباره عبادت سخن می‌گوید و "جنانه‌کنده" (۴) که درباره علم روحانی بحث میکند، می‌باشد. در میان این شش مکتب، "ودانته" معتقد است که "جنانه‌کنده" یا مسیر دانش از همه مهمتر است و سایر راهها تنها گامهایی به سوی هدف نهایی می‌باشند.

"ودانته" حامی سخت حقیقت و تحقیق خستگی ناپذیر است. "مندوکه" اوپانیشاد

